

# سیمین دانشور

## اولین و برجسته‌ترین نویسنده زن در پهنه ادب فارسی



سیمین محسنی

عضو پژوهشکده تاریخ - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### پیشگفتار

جهان هستی، زن را نمادی پایدار در همه‌ی اشکال انسانی می‌سازد و در چنین قلمرویی است که زن در سیمای اسطوره‌ای خویش ظاهر می‌شود. با مطالعه‌ی تاریخ تطبیقی وضعیت زن، تشابه موقعیت او در تمدن‌های کهن مشاهده می‌شود. تاریخ سرنوشت زن، گویی در تمام فرهنگ‌های بشری مشابه و همانند است. زن ایرانی در جریان رشد و بالندگی، از گذرگاه‌های تیرهای عبور کرده است تا بتواند هویت خویش را با نوشته‌هایش به ثبت برساند و به رعم شرایط دشوار اجتماعی، زن ایرانی در اغلب زمینه‌های فرهنگی فعالیت کرده و نامی و اثری از خویش باقی گذاشته است. انقلاب مشروطه، تاریخ سرنوشت زن ایرانی را دگرگون کرد، از زیر سلطه‌ی خرافات و موهومات و جهل و نادانی و اسارت به درآورد و به جامعه راه داد. از آن پس، زنان ارزش‌های انسانی و اجتماعی خود را درک کردند و هویت خویش را با نوشته‌هایشان به تصویر کشیدند.

را خواه از خصوصیت شکوهمندی ادبیات تخیلی برخوردار باشد خواه نباشد دربر می‌گیرد. بنابراین، به هر اثر روایتی منثور خلاقه‌ای که با دنیای واقعی، ارتباط معنی‌داری داشته و از ماهیت تخیلی نیز برخوردار باشد "ادبیات داستانی" می‌گویند. ادبیات داستانی شامل قصه، رمان، داستان کوتاه و آثار وابسته به آنها است. فرهنگ هیچ ملتی، تهی از پیشینه‌ی ادبیات داستانی نیست و در واقع، هیچ ملتی با داستان و داستان‌پردازی بیگانه نیست. شاید قدمت داستان، به دیربگی زبان باشد؛ اما آنچه موجب تفاوت ادبیات داستانی ملت‌ها می‌شود، فنون داستان‌نویسی و سیر تاریخی آن در میان ملل و اقوام است و در واقع امر، تمامی فراز و فرودهایی که در ساختار داستان مشاهده می‌شود، ارتباط مستقیم با تحولات اجتماعی هر جامعه دارد. بی‌تردید داستان‌نویسی در ایران نیز سابقه‌ای بسیار کهن دارد. قدیمی‌ترین متون ادبی، مذهبی و حتی تاریخی ما آکنده از قصه‌ها، افسانه‌ها و اسطوره‌هاست؛ اما نخستین طلیعه‌های تمایل به تعبیر روال داستان‌نویسی گذشته و روی آوردن به شیوه‌های امروزی را، از عصر مشروطه، به دلیل همان همسویی تحولات فرهنگی با تغییرات اجتماعی شاهد هستیم. این دگرگونی و حرکت، اگرچه در ابتدا از سیری کند و نویسندگانی اندک برخوردار بود، اما به تدریج هرچه زمان پیش‌تر آمد،

نویسندگان بیش‌تری به این حرکت پیوستند و توجه‌ی عامه‌ی مردم نیز به داستان بیش‌تر شد و سیر تکاملی این هنر، سرعت و پیشرفتی درخور یافت.

اما در این میان، آنچه باز بیش‌تر به چشم می‌آمد، یکه‌تازی مردان بود و در مقابل، حضور بی‌رنگ زنان؛ اما وضع به همین نحو ادامه نیافت، چراکه سیمین دانشور با انتشار نخستین مجموعه‌ی داستانش، این طلسم دیرپا را شکست و با عنوان نخستین بانوی داستان‌نویس ایران، بر تارک ادبیات داستانی کشورمان درخشیدن گرفت. در این میان، اگرچه نخستین داستان‌های او چندان چشمگیر نبودند، اما جسارت سیمین، به زنان دیگر نیز جرأت داد که قلم به دست بگیرند و از دنیای درون و برون خود بنویسند و بدین ترتیب جانی تازه به کالبد بی‌جان ادبیات زنانه کشورمان بخشند. (لیلا یوسفی: ۱۳۷۸، ص ۱)

آثار داستانی سیمین دانشور در سراسر تاریخ داستان‌پردازی ایران کم‌نظیر و از جهاتی بیگانه‌است و برخلاف منفی‌نگری دربارهی شخصیت زن که حجم وسیعی از داستان‌های ایرانی را پر کرده و حتی نویسندگان زن هم در این زمینه نسبت به همجنسان خود جفا کردند، او زن را با همه جنبه‌های شخصیتی‌اش به نمایش گذاشته است. موضوع اکثر داستان‌های سیمین دانشور، برگرفته از زندگی واقعی است. از این رو، ماجراهای آن هماهنگی و همخوانی بیشتری با واقعیت‌های زندگی دارد. او می‌گوید: "عقیده دارم شاهد زمانه باشم. ضمناً عقیده دارم که واقعیت را آرمانی بکنم یعنی واقعیت را ایده‌آلیزم بکنم، به عقیده‌ی من ادبیات یعنی همین."

در باب نقش آفرینان داستان‌های سیمین، گفتنی است که اغلب آن‌ها شخصیت‌هایی هستند که با سادگی و صمیمیت‌شان از همان ابتدای داستان، باب دوستی با خواننده را باز می‌کنند. شخصیت‌های داستان‌های سیمین آن چنان واقعی

او در سال ۱۳۲۹  
در حین تدریس در  
هنرستان موسیقی با  
جلال آل احمد  
ازدواج کرد

زن و داستان‌نویسی در ایران در پهنه‌ی ادب فارسی آثار شکوهمند و ممتازی که از عامل "تخیل" برخوردار باشد، و در ضمن، با دنیای واقعی نیز ارتباط معنی‌داری داشته باشد را "ادبیات" یا "ادبیات تخیلی" می‌گویند. ادبیات داستانی، بخشی از ادبیات تخیلی است؛ با این تفاوت که همه‌ی انواع آثار داستانی روایتی منثور

و دست‌یافتنی هستند که ما هر روز در اطراف خود امثال آنان را می‌یابیم، در کشان می‌کنیم، پای صحبت‌ها و درد دل‌هایشان می‌نشینیم و به راحتی با آن‌ها همدردی می‌کنیم.

از میان شخصیت‌ها، زنان که خود دنیایی دیگر دارند و سیمین آن چنان موفق از عهده‌ی ترسیم دنیای عینی و ذهنی آنان برآمده، که تحسین هر خواننده‌ای را برمی‌انگیزد.

زین دانشور همچون شخصیت‌هایش، گرم و صمیمی و ساده است؛ چنان‌که بیش از سایر عناصر، مایه‌ی انس خواننده با داستان می‌شود، زبانی دلنشین، عامیانه، و گاه شاعرانه، زبانی زنده، پویا و طبیعی. (همانجا، ص ۲۸۱)



### زندگینامه سیمین دانشور

سیمین دانشور در هشتم اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۰ هجری شمسی، در شیراز چشم به جهان گشود. پدر او، محمدعلی دانشور، پزشکی انسان دوست و آزاده بود، که از احمدشاه، لقب اعیان السلطنه گرفته بود.

مادرش، خانم قمر السلطنه حکمت بود. وی علاقه‌ی فراوانی به هنر داشت و هنر نقاشی را نزد آقای صدر شایسته از شاگردان کمال‌الملک فرا گرفته بود. از دکتر محمدعلی دانشور و خانم قمر السلطنه، سه پسر و سه دختر به جای ماند که سیمین، سومین فرزند آنان است. سیمین دانشور تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در شیراز در دبیرستان مهرآئین به پایان رساند. او در سنین جوانی، علاقه و آفری به سوارکاری داشت و بیشتر اوقات آزاد خود را به این ورزش می‌پرداخت. در تمام دوران تحصیل، شاگرد اول بود و تحصیلات دبیرستانی خود را با عنوان شاگرد اول سراسر کشور، به پایان رسانید.

سیمین، نخستین تجربه‌ی خود را در مقاله‌نویسی با مقاله‌ای با عنوان "زمستان بی‌شبهت به زندگی ما نیست" در شانزده سالگی آغاز کرد. وی پس از پایان تحصیلات متوسطه، راهی تهران گردید و در شبانه‌روزی آمریکایی ثبت‌نام کرد. سپس به منظور تحصیل در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی، وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد. پس از مرگ پدر (فروردین ۱۳۲۰) به دلیل نیاز مالی، ناگزیر برای مدتی مجبور به کار کردن شد از جمله کارهایی که سیمین به آن اشتغال داشت، معاونت اداره‌ی تبلیغات خارجی و همچنین نوشتن مقاله برای روزنامه ایران بود. او مدت کوتاهی با رادیو تهران همکاری می‌کرد. (زندگی‌نامه‌ی دکتر سیمین دانشور: نافه، س اول، شماره ۱۱-۱۲،

داستان‌های استنفورد (Stanford) به چاپ رسید. در دانشگاه استنفورد به مدت دو سال به ادامه تحصیل و تحقیق در زیبایی‌شناسی و روان‌شناسی هنری پرداخت.

پس از بازگشت به ایران، به اداره‌ی کل هنرهای زیبای کشور که بعدها به وزارت فرهنگ و هنر تغییر نام داد، منتقل گردید و در مدرسه‌ی عالی موسیقی و هنرستان‌های هنرهای زیبا به تدریس "زیبایی‌شناسی (Aesthetics)" پرداخت و همزمان با آن، مدیریت مجله‌ی نقش و نگار را به عهده گرفت، و هفت شماره به مدیریت ایشان به چاپ رسید؛ و شاید سیمین اولین کسی باشد که به معرفی هنرهای سنتی و دستی ایران مثل قالی، مینیاتور، قلمکار، و خاتم‌سازی پرداخته است.

(هوشنگ گلشیری: ۱۳۷۶: ص ۱۵۶)

وی در سال ۱۳۳۸ به استخدام دانشگاه تهران - دانشکده ادبیات - رشته‌ی زیبایی‌شناسی درآمد و به تدریس شناخت هنر و زیبایی و تاریخ هنر پرداخت و تا سال ۱۳۵۸ به تدریس اشتغال داشت. اما در این سال به علت خستگی مفرط جسمی و روحی که او را مدتی هم به بستر بیماری کشانده، خود را بازنشسته کرد.

سیمین دانشور پس از ازدواج، بیشتر وقت خود را صرف ترجمه آثار ادبی از زبان‌های دیگر به فارسی نمود. وی در این باره چنین می‌گوید: "به ترجمه روی آوردم زیرا آن قدر جلال را دوست داشتم که ترجیح می‌دادم او کارش را بکند و غم‌روزی نخورد. ترجمه هم آسان‌تر بود و هم خریدار بیشتری داشت و این چنین، خیلی از معاصران من، قربانی ترجمه شدند. در سال ۱۳۴۰، دومین مجموعه قصه خود را با نام "شهری چون بهشت" منتشر کرد: (زندگی‌نامه سیمین، نافه، سال اول، شماره ۱۱-۱۲، ص ۲۱)

در سال ۱۳۴۸، موفق به خلق شاهکار زندگی‌اش شد و با انتشار رمان معروف "سوشون" که از ماناترین آثار ادبی معاصر ایران است و از جهت ساختار، کامل‌ترین رمان فارسی است و بارها تجدید چاپ شده است جایگاهش را به عنوان یکی از برجسته‌ترین نویسندگان معاصر در پهنه ادب، تثبیت کرد؛ و در همان سال، همسرش معروف‌ترین و مطرح‌ترین نویسنده زمانه، جلال آل احمد درگذشت و سیمین دانشور سخت تنها ماند اما به کار ادبی خود ادامه داد و با نوشتن چند اثر دیگر، راه خود را همراه با خلاقیت‌های فرهنگی پی گرفت: (عیسی اربابی، ۱۳۷۸: ص ۱۵۸ و ۱۵۹)

سیمین دانشور در طول فعالیت‌های علمی و سیاسی خود، سخنرانی‌های متعددی را در مجامع

۱۳۵۹، صص ۲۰-۲۱، ص ۲۰) سیمین دانشور، در سال ۱۳۲۷، اولین مجموعه داستان‌های کوتاهش را با عنوان آتش خاموش منتشر کرد که برخی از داستان‌های این مجموعه‌ی شانزده قسمتی، قبلاً در روزنامه کیهان و مجله بانو و امید چاپ شده بود.

او در سال ۱۳۲۸ موفق به دریافت درجه‌ی دکترادر رشته زبان و ادبیات فارسی گردید. موضوع رساله‌ی او "علم الجمال و جمال در ادبیات فارسی تا قرن هفتم هجری" بود. استاد راهنمای او در این رساله، خانم فاطمه سیاح بود؛ اما پیش از آن که کار رساله به پایان برسد وی درگذشت و راهنمایی سیمین تا پایان کار رساله، به استاد بدیع‌الزمان فروزانفر سپرده شد. سیمین دانشور در رابطه‌ی با دوران تحصیلاتش در دانشکده ادبیات معتقد است که از اساتید خود از جمله مرحوم ملک‌الشعراى بهار، سعید نفیسی، نصرالله فلسفی و بهمنیار، بهره‌ی فراوان برده است. وی در اردیبهشت ۱۳۲۹ با جلال آل احمد ازدواج کرد. در این هنگام، سیمین دانشور به کار تدریس در هنرستان موسیقی اشتغال داشت. (همانجا، ص ۲۱)

دکتر سیمین دانشور پس از ازدواج در سال ۱۳۳۱ با استفاده از بورس تحصیلی "فولبرایت Bright Full" برای گرفتن مدرک فوق‌دکترایه ایالات متحده آمریکا رفت و در کلاس‌های دکتر والس استگنر (Walce Stagner) که رئیس مرکز نویسندگی خلاقه (Creative Writing) بود، درباره‌ی تکنیک قصه‌نویسی و به طور کلی ساختار قصه، فراوان آموخت و چندین داستان به زبان انگلیسی نوشت که دو تا از آنها در مجله‌ی پاسیفیک اسپکتاتور (Pacific Spectator) (The) چاپ شد، و دو قصه هم در مجموعه

علمی داخلی و بین‌المللی انجام داده است. او درباره شیوهی تفکر و اعتقادات خود چنین اظهار می‌دارد: "به خدا اعتقاد دارم و عقیده دارم که صفات خدا راه‌های بشری را تعیین می‌کند، خدا جمیل است و جمال، راه هنر است. خداوند توانا است و توانایی، راه صنعت است. خدا دانا است و دانایی، راه علم است. خدا برکت‌دهنده است و برکات او به صورت کشاورزی فعلیت می‌یابد. راه‌های الهی بی‌شمار است و تمام این راه‌ها می‌توانند بشر را به کمال برساند و سیر تکامل بشری، او را به خدا نزدیک کند. در تولید و اقتصاد و توزیع ثروت، به روش سوسیالیسم معتقدم؛ اما در هنر، اعتقاد به برنامه‌های حزبی از پیش ساخته ندارم زیرا هنر در افراد است که می‌شکند و هنرمند ناگزیر است از آزادی و عدالت و منطبق دفاع کند. آرزو دارم خودمان بشویم؛ نه از چشم غرب و نه از چشم عرب دنیا را ببینیم. هنر در دوران تجارت آزاد در دموکراسی ترقی می‌کند. شک دارم که در دوران توده‌ها هم ترقی کند." (زندگی‌نامه‌ی دکتر سیمین دانشور: نافه، س اول، شماره ۱۲-۱۱، ۱۳۵۹، ص ۲۱)

سیمین درباره‌ی خاطراتش می‌گوید: "تمام خاطراتم را از اول عمر تا به حال نوشته‌ام که پس از مرگم به چاپ خواهد رسید."

### چشم‌انداز زندگی خانوادگی سیمین دانشور

خانه‌ی جلال آل‌احمد و سیمین دانشور در کوچه‌ای در خیابان شریعتی بود که به گفته‌ی سیمین "در زوایای این کوچه، خاطرات فراوانی پنهان مانده و سنگفرش قدیمی آن، گویا با خاطرات کهن بخشی از ادبیات معاصر ایران خو گرفته است. کوچه باغی که روزی آمد و شد نویسندگان مطرح تجددگرای ایران را در قاب خاطراتش به ثبت رسانده بود، حالا دیگر کمتر از گذشته به عنوان یکی از کانون‌های تحولات ادبی ایران به شمار می‌رود.

این بنا علاوه بر قدمت تاریخی آن که به سال ۱۳۳۲ شمسی می‌رسد، به لحاظ دربرگیری آرشیدو خاطرات دو نویسنده بزرگ تاریخ ادبیات ایران نیز دارای ارزش است و به همین خاطر از ابتدا تلاش‌هایی برای ثبت این اثر تاریخی در فهرست آثار ملی انجام شد و در نهایت با پیگیری میراث فرهنگی، خانه تاریخی جلال آل‌احمد و سیمین دانشور، سال گذشته در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید.

به گفته سیمین دانشور، این بنا توسط مهندس معینی و بنا به پیشنهاد خانم دانشور و مرحوم جلال آل‌احمد طرح‌ریزی و ساخته شد. از ویژگی‌های

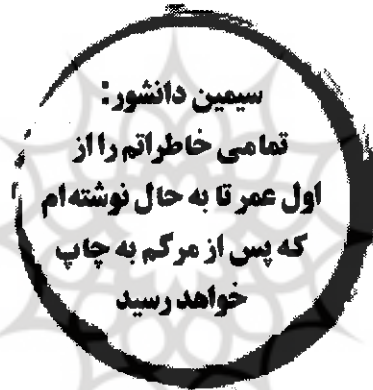
بارز معماری این بنا، ناسازی ساده و در عین حال زیبا با استفاده از آجر و پوشش شیروانی است، که اصالت طراحی ساختمان که به سفارش این دو نویسنده‌ی بزرگ ایران انجام شده است، نشان از نوعی تفکر معمارانه در طراحی آن دارد.

پس از بازگشت دانشور از آمریکا در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سیمین به اتفاق جلال در این منزل سکونت داشتند و جلال از آن تاریخ تا زمان فوتش در سال ۱۳۴۸ در همین منزل زندگی کرده است.

(شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی [www.persian-language.org](http://www.persian-language.org))

### تبدیل خانه سیمین و جلال به کانون فرهنگی - هنری

آرشیدو در اختیار سیمین دانشور سرشار از کتاب‌های ارزشمند، دست‌نوشته‌ها، مقالات و نامه‌های



منتشر نشده از خود او و جلال است که این اوراق، به عنوان بخش مهمی از گنجینه ادب معاصر به شمار می‌آیند و باید برای نگهداری و حفاظت از آن اقدام شود؛ و از سوی دیگر، باتوجه به قرار گرفتن خانه‌ی تاریخی این دو زوج هنرمند هم‌جوار با خانه‌ی پدر شعر نو ایران، نیما یوشیج، مرمت و بهسازی بخش‌های آسیب‌دیده این دو خانه و تبدیل به یک فضای فرهنگی و ادبی، قابل تأمل است هرچند در ابتدا طرح ایجاد کانون فرهنگی سیمین دانشور، جلال آل‌احمد و نیما یوشیج در محل خانه دانشور و نیما یوشیج مطرح شد، اما از آن زمان تاکنون هیچ‌گونه اقدام خاصی در زمینه‌ی تحقق این طرح، انجام نشده است.

به گفته‌ی سیمین دانشور، برادر وی که خارج از کشور زندگی می‌کند، قصد دارد مجموعه‌ی کتابخانه‌اش را که در حال حاضر در خانه‌ی او قرار گرفته، در راستای تبدیل خانه به کانون فرهنگی - هنری به این مجموعه اهدا کند و به این ترتیب،

غنا‌ی فرهنگی و ادبی این خانه با اهدای مجموعه‌ی کتاب‌های ارزشمند برادر سیمین دانشور افزایش خواهد یافت. سیمین دانشور پیش از این گفته بود: از این که پس از مرگم، خانه‌ی من و جلال به یک کانون فرهنگی - هنری تبدیل می‌شود خوشحالم. من و جلال بیش از ۵ هزار نسخه کتاب داریم. علاوه بر خانه، از تمام اشیاء موجود در آن نیز صورت‌برداری شده و قرار است در بخشی از همین خانه، حفظ و نگهداری شود.

در فضای این خانه، می‌توان نمایشگاه‌های کوچکی برگزار کرد و با تعمیر نمای داخلی آن، سالن کوچکی درست کرد که در آن گروه‌های کوچک موسیقی یا تئاتر برنامه اجرا کنند، یا محافل کوچک داستان‌خوانی و شعرخوانی برپا شود.

(شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی [www.persian-language.org](http://www.persian-language.org))

### ویژگی خاص سبک نگارش سیمین دانشور

آثار خانم سیمین دانشور، دارای نثری بلیغ و در عین حال ساده و روان است. او از جمله نویسندگانی است که از لهجه‌ی "شیرازی" در آثار خود بهره برده است. او در نگارش داستان‌هایش به فرهنگ بومی و زبان مادری خود توجه داشته و از آنها در جهت آفریدن فضای داستان، قهرمان و حوادث داستانی و نفوذ در اذهان مردم و تأثیرگذاری بر آنها استفاده کرده است، به نحوی که می‌توان این بهره‌وری را، ویژگی خاص در سبک نگارش او به شمار آورد. (سالومه رستم‌پور: ۱۳۸۰ ص ۳۷)

استفاده‌ی خانم دانشور از لهجه و فرهنگ شیرازی از جمله موارد قابل تعمق و توجهی است که می‌تواند ما را در شناخت بهتر و عمیق‌تر این نویسنده یاری دهد، زیرا وی از این ابزار برای پاسداری و حفاظت از فرهنگ بومی خود سود برده است. او با در دست داشتن این ابزار سعی در نشان دادن اصالت و قدمت فرهنگ این سرزمین دارد.

"لهجه شیرازی" را می‌توان در آثار این نویسنده از دو سو بررسی کرد؛ نخست: از جهت شیوه گفتاری و تأثیر این لهجه در داستان‌سرایی این نویسنده که بیانگر میزان تسلط او از فرهنگ بومی است. دوم: از جهت وجود کلمات و اصطلاحات عامیانه شیرازی در نوشته‌های ایشان.

قهرمانان داستان‌های خانم دانشور، بسیار از لهجه و فرهنگ شیرازی تأثیر گرفته‌اند. آنان با توجه به طبقه اجتماعی، نحوه قومیت و میزان فرهنگ‌پذیری‌شان به لهجه شیرازی و فرهنگ آن وابسته‌اند. این قهرمانان را می‌توان با توجه به

این تأثیرپذیری بر چند دسته تقسیم کرد: گروهی که به دلیل آن که از شیراز رفته‌اند شیوهی گفتارشان، به خاطر تماس با دیگر مناطق تغییر کرده و بنابر مهاجرتشان به دیگر نواحی دایره‌ی لغاتشان وسیع گشته است و گاهی کلمات غربی را در شیوه‌ی گفتاری خود وارد می‌سازند.

به عنوان مثال، می‌توان به کتاب جزیره‌ی سرگردانی اشاره کرد. در این کتاب، قهرمانانی را می‌توان یافت که دچار مسخ فرهنگی شده‌اند و سعی دارند آن را در شیوه‌ی گفتار و طرز رفتار خود جلوه‌گر سازند. به قسمتی از این داستان توجه شود: "مامان عشی پالتو و دامن هستی را به دست پستی داد و با انگلیسی خاص خودش گفت می‌بری، خوب برس می‌زنی، اطو می‌کنی و زود می‌آوری، فهمیدی؟ ..."

### (جزیره سرگردانی: ص ۱۱)

در این قسمت سعی نویسنده در این است که نشان دهد تا چه اندازه، قهرمانان داستانش متأثر از فرهنگ غیر، یعنی غربی، هستند. نویسنده در این کتاب، خالق قهرمانانی است که با پیوستگی با فرهنگ بیگانه، برای خود هویتی را کسب می‌کنند. "مامان عشی" سعی دارد که در منزل از مستخدمه خارجی استفاده کند و آن را یکی از مشخصات ممتاز و بارز برای خود می‌داند و با انگلیسی صحبت کردن با او سعی دارد که خود را متمم جلوه دهد؛ اما گروهی دیگر از قهرمانان در آثار خانم دانشور وجود دارند که بافت اصلی کلام و شکل زندگی آنان را فرهنگ و لهجه‌ی "شیرازی" تشکیل می‌دهد. این گروه به دو بخش تقسیم می‌شوند:

عده‌ای از عامه‌ی مردم برخاسته‌اند و به دلیل داشتن زندگی سنتی به "شیرازی" تکلم می‌کنند و برطبق فرهنگ محلی و بومی خود زندگی می‌کنند. این افراد معمولاً از طبقه زیردست و محروم جامعه هستند. افرادی ساده‌اندیش و بی‌غل و غش، که در داستان‌ها غالباً به صورت خدمتکاران، افراد ستم‌دیده یا عوام نمایان می‌شوند و زندگی معمولی و ساده‌ای دارند. در آثار این نویسنده، افراد این طبقه نگاهی‌انان اصلی فرهنگ و زنان خود هستند. (سالومه

### رستم پور: ۱۳۸۰ ص ۳۷)

این مسأله را می‌توان در داستان‌های مجموعه‌ی شهری چون بهشت‌این نویسنده مورد بررسی قرار داد. اکثر قهرمانان داستان‌های این مجموعه از توده‌ی مردم بوده و بسیار به لهجه‌ی "شیرازی" تسلط دارند.

گروه دیگر از قهرمانان آثار خانم دانشور که لهجه‌ی شیرازی را برای گفت‌وگو برگزیده‌اند آنانی هستند

که از فرهنگ غنی برخوردار بوده و نسبت به پیشینه‌ی موطن و لهجه‌ی مادری خود آگاهی کافی و شایسته‌ای دارند و در برخورد با دیگر فرهنگ‌ها و گویش‌ها به ارزش‌های فرهنگی خود، متکی بوده و دچار تزلزل نمی‌شوند و اصالت خود را حفظ می‌کنند. قهرمانان اصلی رمان سووشون از این گروه هستند. در اینجا به قسمتی از داستان توجه می‌شود:

"... یوسف گفت: می‌دانم که نمی‌توانی. تأملی کرد و به دلسوزی گفت: رستم بیا از این راهی که پیش گرفته‌ای برگرد. بیا برای حناقل، یک ایشوم، یک تیره، جاوو و اعتقاد بساز. حرفه یادشان بده. چندبار به تو گفته‌ام زمین‌های پیر من هم منتظر خانه و مدرسه و حمام و مریضخانه و مسجد و مرتع شدن هستند ..."

### (سووشون ص ۵۴)

## توجه به مسایل زنان و موفقیت او در توصیف دنیای عینی و ذهنی زنان، او را از سایر نویسندگان هم دوره‌اش متمایز می‌کند

نویسنده با به کارگیری کلمات و اصطلاحات اصیل ناحیه، قهرمانانی می‌آفریند که به دلیل آشنایی کافی به لهجه‌ی شیرازی و فرهنگ بومی‌شان دارای وقار و سنگینی خاصی هستند.

استدلالش در گزینش سبک فوق این است که به دلیل سادگی و مردمی بودن سبک افراد بیشتری قادرند نوشته‌هایش را بخوانند و آن را درک کنند. روش اصلی وی در نگارش داستان‌هایش "استناد و تخیل" است. در این روش، مقدار زیادی از واقعیت‌ها را گرفته و تخیل را به آن می‌افزاید و می‌کوشد خواننده بگوید آنچه را که می‌خواند، واقعیت دارد. (منوچهر اکبرلو، ۱۳۷۸، ص ۱)

دانشور در واقع به کمک عناصر سوزن‌نالیستی و نمادگرایی می‌کوشد که جهان بینی و جهان‌شناسی خود را با عنوان یک زن بیدار و دوستدار عدالت با زبانی ساده و استوار و شیرین به خوانندگان به ویژه زنان انتقال دهد.

"گریه نکن خواهرم! در خانه‌ات درختی خواهد روئید

و درخت‌هایی در شهرت و بسیار درختان در سرزمینت ... باد پیغام هر درختی را به درخت دیگر خواهد رسانید و درخت‌ها از باد خواهند پرسید: در راه که می‌آمدی، سحر را ندیدی؟ (سووشون، ص ۲۰۶)

(www.Iran-nabard.com/zanan)

## کلام پایانی

سیمین دانشور، نویسنده‌ی ارزشمند جامعه‌ی ایرانی بیش از هر چیز به واسطه‌ی داستان‌ها و سهمی که در ادبیات داستانی دارد شناخته می‌شود. توجه به مسائل زنان و موفقیت او در توصیف دنیای عینی و ذهنی زنان، او را از سایر نویسندگان هم دوره‌اش متمایز می‌کند. او نویسنده‌ی است در گیر عوالم و مسائل زن‌گرایانه همه‌ی جنبه‌های شخصیت زن در آثار سیمین دانشور به نمایش

گذاشته شده است، و در حقیقت او زن را به همه‌ی ابعاد وجودی خود متجلی می‌کند. وی با پرداختن به مقولاتی کلی، مجرد و مطلق چون هنجارهای پایدار اخلاقی، وجدان، کام‌خواهی و نام‌جویی زن، وظیفه مادری، سرکوبی احساسات و عواطف عاشقانه، معصومیت زنانه و قداست زن، پاسداری حریم امن خانواده از یک سو و خودکامگی، بی‌وفایی و شهوت‌خواهی مردان از دیگر سو، ذهن خود را متوجه مسائل و مشکلات برونی و ذهنیات و درگیری‌های درونی زنان جامعه می‌سازد. در آثار سیمین دانشور، اصولاً زنان به دو گروه متمایز تقسیم می‌شوند: زنان طبقه مرفه و زنان زیردست و اغلب کلفت‌ها که در خدمت طبقه اول و به نوعی هم با یکدیگر در ارتباط هستند. از گروه اول، شخصیت اصلی رمان "سووشون" و شخصیت‌های داستان کوتاه "یک زن با مردها" و "مار و مرد" و از گروه دوم، شخصیت "انیس" در "شهری چون بهشت" و شخصیت اصلی "به کی سلام کنم" را می‌توان نمونه آورد.

به طور کلی، سیمین دانشور در آثار خود به مشکل هویت و جایگاه زن ایرانی در مرحله‌ای از تغییر و تحول اجتماعی می‌پردازد و تلاش زنان برای خودیابی را با انتقاد از جامعه‌ای که دنیای زنان ناشناخته تر از دنیای مردان است، مورد بررسی قرار می‌دهد. او خوشحال است از این که می‌بیند زنان دوش به دوش و گاهی جلوتر از مردان در عرصه‌ی ادبیات قلم می‌زنند. در این جا لازم می‌بینم به احترام در برابر این انسان‌پژوه و محقق بزرگ این سخن تی. اس. الیوت را تکرار کنم:

"می‌نویسیم تا چیزی را زنده نگاهداریم نه آن که پاداشی را انتظار کشیم و یا به فتح بیندیشیم"